

بررسی رابطه بین حاکمیت شرکت و عملکرد مالی با رویکرد مسئولیت پذیری اجتماعی

دکتر علی امیری^۱، ماریا وزیري^۲

۱- استادیار پایه ۹ دانشگاه آزاد بندر عباس

۲- دانشجوی دکتری رشته حسابداری دانشگاه آزاد بندر عباس

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه بین حاکمیت شرکت و عملکرد مالی با رویکرد مسئولیت پذیری اجتماعی است. و ارزیابی ضرایب مسیر بین متغیرهای نهفته مدل در سطح معناداری حداقل ۵ درصد می باشد. این امر از طریق بررسی دو بخش ضرایب β و ضرایب مسیر (β) صورت گرفته است. با استفاده از نرم افزار *pls* داده های تحقیق را مورد تحلیل قرار داده ایم. خروجی های توصیفی تحقیق جهت درک بهتر و تحلیل صحیح تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. فرضیات نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ که تمامی فرضیات تحقیق مورد تایید می باشند. نتیجه بدست آمده در این تحلیل این است که حاکمیت نقش مهمی در رابطه با عملکرد و مسئولیت پذیری اجتماعی دارد.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکت، عملکرد مالی، مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت

۱- مقدمه

لازمه موفقیت و عملکرد مناسب شرکت‌ها، وجود ساختار حاکمیت شرکتی قوی برای نظارت بهتر بر مدیریت و استفاده از محافظه‌کاری جهت تسریع در شناسایی اخبار بد نسبت به اخبار خوب است. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر محافظه‌کاری و حاکمیت شرکتی بر رابطه بین سطح اهرم مالی و عملکرد مالی است. (ایزدی نیا و عبدالحی، ۱۳۹۶) عملکرد شرکت‌ها مبنای بسیاری از تصمیم‌گیری‌هاست. از عوامل مهمی که اغلب اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران، مدیران و سایر فعالان اقتصادی می‌توانند به آن توجه کنند، عملکرد شرکت است. زمانی که معیارهای عملکرد شرکت به جای اعداد خام به شکل درصد یا نسبت اندازه‌گیری می‌شوند، این امکان به وجود می‌آید تا عملکرد شرکت‌ها را اعم از کوچک و بزرگ و در صنایع مختلف در طی یک دوره زمانی، آسان‌تر سنجیده و مقایسه کرد. (شانظریان، ۱۳۸۹) مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و افشاگرهای مرتبط با آن عامل ضروری است که به تداوم شرکت‌ها منجر می‌شود. زیرا همه شرکت‌ها ارتباط‌هایی با جامعه دارند. لذا جامعه امکان بقای شرکت‌ها را در درازمدت فراهم می‌آورد. جامعه از فعالیت‌ها و رفتار شرکت‌ها بهره می‌گیرد. گسترش مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها بر این موضوع دلالت دارد که مسئولیت‌های شرکت‌ها از آنچه در گذشته بوده، یعنی "فراهم کردن پول برای سهامداران" فراتر رفته است. شرکت‌ها بایستی در برابر ذینفعان (سهامداران، مشتریان، کارکنان، عرضه‌کنندگان کالا، بانک‌ها، قانون‌گذاران، محیط و جامعه) پاسخگو باشند. بهاین ترتیب شرکت‌ها علاوه بر مسئولیت اقتصادی، باید در برابر مسائل اجتماعی احساس مسئولیت کنند. بنابراین با توجه به اهمیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و افشاگرهای مرتبط با آن، در گزارشات مالی بایستی مراقبت‌های کافی به عمل آید. اعمال نظارت و مراقبت در این زمینه می‌تواند مستلزم وجود سازوکارهای حاکمیت شرکتی باشد. (بهار مقدم و همکاران، ۱۳۹۲)

۲- بیان مسئله

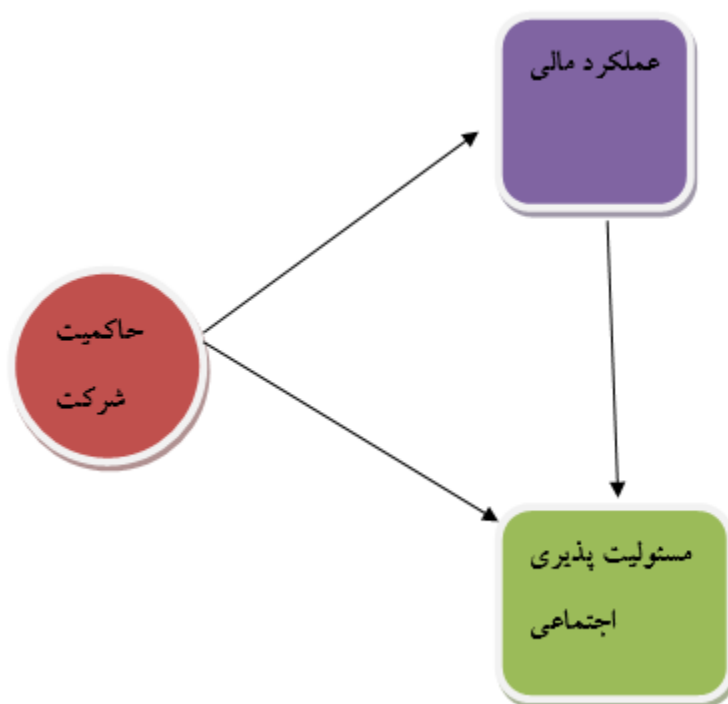
وجود نظام حاکمیت شرکتی مناسب می‌تواند شرکت‌ها را در جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و تشویق آن‌ها به سرمایه‌گذاری کمک کند و اجرای این اصول در سطح شرکت طبق پژوهش‌های تجربی انجام شده باعث بهبود عملکرد مالی و افزایش ارزش شرکت می‌شود (بلک و همکاران، ۲۰۰۶). شرکت‌هایی که عملکرد اجتماعی بالایی دارند تمایل بیشتری به افشای عمومی فعالیت‌های اجتماعی خود دارند. سطح بالای شفافیت در اطلاعات باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه‌گذاران می‌شود و این خود باعث کاهش ریسک می‌گردد (سرافیم و همکاران، ۲۰۱۲). نظام حاکمیت شرکتی به عنوان یکی از مهمترین سازکارهای کنترلی و نظارتی می‌تواند عامل مهمی در جهت برپایی عدالت گردد. اجرای نظام حاکمیت شرکتی برای کشورهایی که قصد اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی به ویژه از طریق انتشار سهام را دارند، به صورت یک الزام سیاسی اقتصادی است. اگر چه سطح مالکیت شرکت‌های سهامی بزرگتر، در کل جامعه ایران فراگیر نشده است اما، واگذاری سهام عدالت و تحقق شعار عدالت محوری در سطح جامعه، ضرورت توجه به نظام حاکمیت شرکتی را نشان می‌دهد. یکی از عوامل ضروری تداوم فعالیت واحدهای انتفاعی به دلیل ارتباط با جامعه و این‌که جامعه شرایط بقا و تداوم شرکت‌ها را فراهم می‌کند، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و افشاییات مرتبط با آن است. جامعه از فعالیت‌ها و رفتار شرکت‌ها بهره‌مند می‌شود. رشد و توسعه

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها دلالت بر این امر دارد که تغییر و تحولاتی در مسئولیت‌های شرکت‌ها ایجاد شده و از هدف اولیه که فقط دستیابی به سود نقدی مورد انتظار بود فراتر رفته و به سمت اجتماع در حرکت است. (حاجیها و وشاکری، ۱۳۹۸) حال با توجه به آنچه گفته شد سوال این است که: آیا بین حاکمیت شرکت و عملکرد مالی با رویکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه‌ای وجود دارد؟

۳- فرضیات تحقیق

- بین حاکمیت شرکت و عملکرد مالی رابطه وجود دارد.
- بین حاکمیت شرکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین عملکرد مالی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه وجود دارد.

۴- مدل مفهومی تحقیق



۵- حاکمیت شرکت

در سال‌های اخیر، حاکمیت شرکتی یک جنبه اصلی و پویای تجارت شده و توجه به آن به طور تصاعدی رو به افزایش است. حاکمیت شرکتی بیانگر ساختاری است که از طریق آن اهداف شرکت معین شده و روش‌های نیل به اهداف و معیارهای نظارت بر عملکرد مشخص می‌شوند. در تعریفی دیگر حاکمیت شرکتی به عنوان ساختار وظیفه یک شرکت در رابطه با ذی‌نفعان، به طور عام و سهامداران آن، به طور خاص یاد شده است و یکی از موضوعاتی که در چند دهه اخیر در بازارهای مالی مطرح می‌شود. «حاکمیت شرکتی» است که محققان و صاحب‌نظران بسیاری در رشته‌های مختلف همچون حسابداری، بازرگانی، اقتصاد، حقوق و... از زوایای مختلف آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. در واقع حاکمیت شرکتی طی قرن گذشته با هدف افزایش کارایی و اثر بخشی فرایند تخصیص پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری‌های پر بازده مطرح است (نمازی، ۱۳۸۷). حاکمیت شرکتی مجموعه مکانیزم‌های کنترلی داخلی و خارجی شرکت است که تعیین می‌کند شرکت چگونه و توسط چه کسانی اداره می‌شود (قالی‌یاف اصل، ۱۳۸۷). و در حالت ایده‌آل، مدیران به نمایندگی از سوی سهامداران باید منابع مالی را به شکلی تخصیص دهند که افزایش ثروت آنها را به همراه داشته باشد. اما همگام با بزرگ شدن واحدهای تجاری و رشد اقتصادی کشور عملاً کنترل سهامداران کاهش می‌یابد، زیرا مالکان سهام شرکت بیشتر پراکنده شده‌اند و تنها تعداد اندکی از سهامداران واقعی این امکان را می‌یابند تا در انتخاب اعضای هیئت مدیره و هم‌چنین مدیر عامل مشارکت نمایند. البته انگیزه بیشتر سهامداران از سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها، بدست آوردن کنترل و اداره آن نیست، بلکه هدف کسب سود می‌باشد (کدیور، ۱۳۸۵). حمایت دولت نیز از منافع دیگر مسئولیت اجتماعی به شمولی رود، زیرا سازمانهای تجاری نوع دوست، که در برابر مسئولیت اجتماعی خودشان تعهد بیشتری دارند، دعاوی کمتری را از طرف قانون‌گذاران، که ممکن است حکومت یا ممیزین مالیاتی باشند، دریافت می‌کنند. (ساندهو و کاپور، ۲۰۱۰)^۱ مکانیزم‌های نظارتی حاکمیت شرکتی از عوامل مهم اثرگذار بر سطح نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها هستند و حتی ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و نگهداشت وجه نقد را تقویت یا تضعیف می‌کنند.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در کاهش مشکلات نمایندگی مرتبط با تصمیمات نگهداشت وجه نقد مؤثر است و در نتیجه، هرچه حاکمیت شرکتی قوی‌تر باشد، هزینه‌های نمایندگی و سطح نگهداشت وجه نقد کمتر خواهد بود. سرمایه‌گذاران نهادی وقتی درباره حفظ یا انتقال سهام‌شان در یک شرکت معین تصمیم می‌گیرند، از افشای مسئولیت‌های اجتماعی همچون یک منبع اطلاعاتی مهم استفاده می‌کنند و باعث می‌شوند مدیران برای جذب سرمایه‌گذاران، هنگام تهیه گزارش سالانه شرکت، به افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌عنوان ابزاری مؤثر نگاه کنند. .. مدیران غیرموظف نیز با بهبود افشای اختیاری، شانس رفتار فرصت‌طلبانه را از سهام‌دار عمده سلب می‌کنند. کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت از طریق وجود حاکمیت شرکتی قوی، به مدیریت کارآمد منابع نقدی شرکت منجر می‌شود؛ از این‌رو انتظار می‌رود بین حاکمیت شرکتی و سطح نگهداشت وجه نقد ارتباط معناداری وجود داشته باشد. در این پژوهش، مالکیت نهادی، مالکیت عمده و استقلال هیئت مدیره به‌عنوان مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی سنجیده می‌شوند. (هارفورد و همکاران، ۲۰۱۴)^۱

۶- عملکرد مالی

در محیط رقابتی کنونی که یکی از مشخصه‌های بارز آن کمیابی منابع است، مدیریت و ارزیابی عملکرد، نقش‌حیاتی برای سازمان ایفا می‌کند (آمادو و همکاران، ۲۰۱۲) صاحب‌نظران و محققان معتقدند عملکرد، موضوعی اصلی در تمامی تجزیه و تحلیل‌های سازمانی است و مشکل بتوان سازمانی را تصور کرد که مشمول ارزیابی و اندازه‌گیری عملکرد نباشد. سازمانها جهت فراهم آوردن بازخورد به مدیران در ارتباط با نیل به اهداف استراتژیکه ارزیابی عملکرد متکی اند. (کراونس و همکاران، ۲۰۱۰)^۳

از آنجا که اطلاعات مالی نسبت به گذشت زمان بسیار حساس است و بعضاً با مرور زمان ارزش و سودمندی خود را در تصمیم‌گیریها از دست می‌دهند. هر قدر ارائه‌ی اطلاعات به تاریخ وقوع رویدادهای مربوط نزدیکتر باشد، اطلاعات به موقعتر خواهد بود. مصداق این موضوع در گزارشگری مالی نزدیک بودن زمان ارائه گزارش به تاریخ پایان دوره مالی است. افزایش سرعت گزارش‌گری به دلیل استفاده‌ی به موقع تر اطلاعات در اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی توسط سرمایه‌گذاران، می‌تواند به شفافیت بیشتر اطلاعات مالی شرکت‌ها و به تبع آن، شفافیت بالاتر بازار سرمایه منجر شود که این موضوع به نوبه‌ی خود می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر جذابیت بازارهای مالی و سرمایه داشته باشد (مهدوی و جمالیان پور، ۱۳۸۹). سرمایه‌گذاران همواره ارزیابی عملکرد مالی شرکتها را به منظور شناسایی فرصت‌های مطلوب سرمایه‌گذاری مد نظر قرار می‌دهند. آنچه که سهامداران را به سرمایه‌گذاری پس اندازهایشان در فعالیت خاصی سوق می‌دهد عملکرد مطلوب آن صنعت است و دستیابی به عملکرد بهینه در شرکتها نیز در گروهی مدیریت شرکتها خواهد بود در نتیجه سهامداران می‌توانند مطمئن باشند چنانچه مدیران محرک‌های لازم به آنها داده شود و کنترل شوند، تصمیمات مطلوب و در جهت حداکثر کردن ثروت اتخاذ خواهند کرد. در حدود سیصد سال قبل که آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل بحث تفکیک شرکت‌ها را از گردانندگان (مدیران) آن مطرح کرد، همواره مکانیسم‌هایی برای حل درگیریها و برقراری تعادل میان صاحبان موسسات (سرمایه‌گذاران) و مدیران پیشنهاد گردیده است. با توسعه شرکت‌های سهامی و مطرح شدن تئوری نمایندگی و افزایش وظایف و اختیارات هیأت مدیره شرکت‌ها، این سوال بصورت جدی‌تری مطرح می‌گردد که مدیرانی که در واقع مالک شرکت نمی‌باشند چگونه پیگیر منافع سهامداران (مالکان موسسه) خواهند بود. با تفویض اختیارات نامحدود از سوی مالکان شرکت به هیأت مدیره، توجه به نظام راهبری شرکت‌ها به صورت چشمگیری افزایش یافته است. راهبری شرکت‌ها مجموعه‌ای از مکانیسم‌های کنترلی درون شرکتی (بیشتر اختیاری) و برون شرکتی (بیشتر شامل قوانین و مقررات) می‌باشد که تعادل مناسب میان حقوق صاحبان سهام از یک سو و نیازها و اختیارات هیأت مدیره را از سوی دیگر برقرار می‌نماید و در نهایت این مکانیسم‌ها اطمینان معقولی را برای صاحبان سهام، تهیه‌کنندگان منابع مالی و سایر گروه‌های ذینفع فراهم می‌نماید مبنی بر اینکه سرمایه‌گذارانشان با سود معقولی برگشت شده و منافع ایشان لحاظ خواهد شد. امروزه شرکت‌ها با رقبای قوی‌تری نسبت به گذشته مواجه‌اند و عملکرد مالی هدف اصلی هر نهادی است پس هر سازمانی می‌خواهد با روش‌های مختلف عملکرد مالی خود را افزایش دهد در دنیای امروز سازمان‌ها در هر محیطی نیازمند بهبود عملکرد هستند و باید تمام تلاش خود را در جهت دستیابی به تعالی عملکرد بکار گیرند (جم و همکاران، ۱۳۹۸)

بحران‌های مالی، موضوعات جدیدی نیستند و هر شرکتی بنابه دلایلی با بحران مالی مواجه می‌شود. در چنین موقعیتی شرکتها تمایل دارند سودشان را به شیوه‌ای مدیریت کنند که عملکرد مالی ضعیف خود را پوشش دهند و این موضوع برای شرکت‌های بحران زده از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا اگر نتوانند بر مشکل خود غلبه کنند، ممکن است موجب آسیب رساندن به تمام ذی‌نفعان شوند. (دوتزی و راج، ۲۰۱۶)

۷- مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت

امروزه تأثیر شرکت‌ها بر جامعه یک دغدغه جهانی تلقی گردیده و انتظارات ذی‌نفعان از نقش واحدهای تجاری در جامعه در حال افزایش است. رهنمودها، اصول و قوانین و مقررات برای رفتار شرکت‌ها در جامعه نیز به دنبال افزایش تقاضا برای شفافیت و پاسخ‌گویی هم درباره عملیات شرکت و هم اثرات این عملیات بر جامعه در حال توسعه است و شرکت‌ها به‌طور اختیاری یا الزامی گزارش‌های خود را در خصوص عملکردشان در ابعاد اجتماعی، اخلاقی و محیطی تحت عناوین مختلفی منتشر می‌کنند و روند این مقوله گزارشگری روزبه‌روز در حال افزایش است. از آنجایی که مفهوم توسعه پاینده به چالشی برای نگرش کلاسیک ارزش سهام‌داران در واحدهای تجاری و نقش آن‌ها در جامعه تبدیل شده است. اکنون شرکت‌ها برای اثرات اعمال و فعالیت‌هایشان بر محیط و جامعه متعهد و مسئول هستند، به گونه‌ای که توسعه پاینده به‌عنوان بخشی ذاتی در ادبیات تجاری تلقی می‌شود و روش‌های متفاوتی برای در نظر گرفتن و توجه به ابعاد پایداری در واحدهای تجاری وجود دارد. یکی از مفاهیم اصلی که به توصیف فعالیت‌های پاینده اشاره دارد، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها است که این مفهوم با نگرش‌های متفاوتی روی پایداری شرکت‌ها تأکید دارد. در دهه‌های اخیر این توجه به اثرات شرکت‌ها در جامعه منتهی به پیدایش مفهوم مهم در ادبیات کار و کسب به‌نام مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها گردیده است. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به مشارکت داوطلبانه شرکت برای توسعه پاینده فراسوی الزام‌های قانونی اشاره دارد و یک روش برای کاهش شکاف بین شرکت‌ها و انتظارات ذی‌نفعان در قالب گزارشگری و افشای اطلاعات اضافی با رویکرد پایداری به شمار می‌رود.

شرکت‌ها واکنش‌های مختلفی برای پاسخ‌گویی به تقاضاهای جدید دارند به گونه‌ای که برخی شرکت‌ها فرهنگ خود را تغییر داده و در نظر گرفتن مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را به‌عنوان هسته اصلی فعالیت‌های تجاری‌شان پذیرفته‌اند. (مولینا، ۲۰۱۰)^۱ برخی از صاحب‌نظران معتقدند که مشکلات اجتماعی باید توسط دولتها حل شود. این گروه معتقدند که منابع سازمانی برای حل مشکلات اجتماعی، کافی نیست و نباید منابع سازمانی را به منظور حل مشکلات جامعه هدر داد. گروه دیگری از صاحب‌نظران معتقدند که اگرچه دولتها مسئول اصلی حل مشکلات جامعه اند، ولی مشارکت سازمانها در این زمینه راهگشاست. این دسته از صاحب‌نظران معتقدند که، از آنجا که امروزه، قدرت اقتصادی، از دولتها به سازمانها انتقال یافته، مشارکت سازمانها در حل مشکلات اجتماعی ضروری و لازم است. (تسوتسورا، ۲۰۰۴)^۲ از طرف دیگر، اتخاذ اصول مسئولیت پذیری اجتماعی برای سازمانها امری هزینه بر است. این هزینه‌ها ممکن است شامل موارد زیر باشد: خرید تجهیزات جدیدی که به محیط زیست آسیب کمتری میرساند؛ تغییر ساختار مدیریتی و یا ایجاد کنترل‌های کیفیت شدیدتر باشد. منافع اتخاذ اصول مسئولیت پذیری اجتماعی برای سازمانها عبارت است از: اعتلای برند و افزایش اعتبار؛ امکان جذب بیشتر منابع سرمایه‌های به علت اعتبار تجاری بالا؛ کاهش مخاطرات ناشی

از حوادث و اتفاقات تلخ؛ بهبود شرایط محیط کار و در نتیجه، ارتقای بهره وری و افزایش توانایی برای جذب و نگهداری کارکنان که منجر به کاهش جابجایی، غیبت و هزینه های آموزش آنان میشود (جی کودی، ۲۰۱۶)^۳ تغییرات در ساختار مالکیت همراه با افزایش منافع مالکیت نهادی نظیر بانکها، صندوق های سرمایه گذاری، شرکت های بیمه و صندوق های بازنشستگی بسیاری از محققان را بر آن داشته است تا رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مالکیت نهادی را بررسی نمایند. (ساندارامورتی و همکاران، ۲۰۰۵)^۴ مسئولیت اجتماعی شرکت ها منافعی دیگری هم دارد از جمله افزایش توانایی در استخدام کارکنان تازه وارد و نگه داشتن کارکنان با تجربه و حمایت دولت اشاره نمود، شرکت ها با پیشرفت در جهت مسئولیت اجتماعی این مسئله را در می یابند که راحت تر می توانند نیروی تازه به کار بگیرند و کارکنان با تجربه را برای یک دوره زمانی کافی که برای موفقیت واحد تجاری واجب هستند حفظ کنند.

مسئولیت اجتماعی شرکت ها ذی نفعان متعددی دارد که این ذی نفعان برای بعضی شرکت ها سهامدار حساب می شوند. مفهوم ذینفعان در واقع همان پیکربندی دوباره از دیدگاه سهامداران است که با توجه به مسیر جدید به ارزیابی اقدامات ذینفعان می پردازد. در واقع از مسئولیت اجتماعی شرکت ها برای ارزیابی عملکرد گروه های ذینفع استفاده می شود این گروه ها شامل (کارکنان، مشتریان، سرمایه گذاران، جامعه، محیط طبیعی و تامین کنندگان می باشند. (تربان، گرنینگ، ۱۹۹۷). مسئولیت اجتماعی شرکت ها ادبیاتی نوین در پژوهش های حسابداری محسوب می شود و از ابعاد مختلف توسط پژوهش گران و تحلیل گران مورد بحث قرار گرفته است. امروزه سرمایه گذاران و اعتباردهندگان در شرکت هایی که به گونه ای مناسب مسئولیت های اجتماعی را انجام می دهند، متمایل به سرمایه گذاری در این شرکت ها هستند. گرنت (۲۰۰۸) بر این باور است که در عصر کنونی مسئولیت اجتماعی شرکت ها در بیشتر شرکت ها لازم و ضروری می باشد و محدود به شرکت های بزرگ نیست. همچنین صاحب نظران و طرفداران افشای اطلاعات مسئولیت های اجتماعی معتقدند که شرکت ها برای ارزش آفرینی و ثروت آفرینی سهام داران خود، اقدام به افشای اطلاعات می کنند. شرکت هایی توانایی جذب سرمایه را دارند که به همراه افشای یات متداول معیارهای مسئولیت اجتماعی را نیز افشا کنند. (حاجیه و شاکری، ۱۳۹۸) چن و همکاران معتقدند مکانیزم های نظارتی حاکمیت شرکتی از عوامل مهم اثرگذار بر سطح نگهداشت وجه نقد شرکت ها هستند و حتی ارتباط بین مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها و نگهداشت وجه نقد را تقویت یا تضعیف می کنند. مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها در کاهش مشکلات نمایندگی مرتبط با تصمیمات نگهداشت وجه نقد مؤثر است و در نتیجه، هرچه حاکمیت شرکتی قوی تر باشد، هزینه های نمایندگی و سطح نگهداشت وجه نقد کمتر خواهد بود. سرمایه گذاران نهادی وقتی درباره حفظ یا انتقال سهام شان در یک شرکت معین تصمیم می گیرند، از افشای مسئولیت های اجتماعی همچون یک منبع اطلاعاتی مهم استفاده می کنند و باعث می شوند مدیران برای جذب سرمایه گذاران، هنگام تهیه گزارش سالانه شرکت، به افشای مسئولیت پذیری اجتماعی به عنوان ابزاری مؤثر نگاه کنند. مدیران غیرموظف نیز با بهبود افشای اختیاری، شانس رفتار فرصت طلبانه را از سهام دار عمده سلب می کنند. کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت از طریق وجود حاکمیت شرکتی قوی، به مدیریت کارآمد منابع نقدی شرکت منجر می شود؛ از این رو انتظار می رود بین حاکمیت شرکتی و سطح نگهداشت وجه نقد ارتباط معناداری وجود داشته باشد. در این پژوهش، مالکیت نهادی، مالکیت عمده و استقلال هیئت مدیره به عنوان مکانیزم های حاکمیت شرکتی سنجیده می شوند. (صالح و همکاران، ۱۳۸۹)

۸- پیشینه تحقیق

حسین و همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی با استفاده از نظریه ذینفعان به بررسی رابطه بین عملکرد پایداری با عملکرد مالی ۱۰۰ شرکت آمریکایی که بهترین افشا از عملکرد پایداری را گزارش نموده بودند، با روش تحلیل محتوای گزارشهای مدیریتی پرداختند. آنها بیان داشتند برخی نتایج متناقض در رابطه بین این دو متغیر ناشی از روشهای متفاوت سنجش عملکرد پایداری است و روشهای سنجش مطلوب را نیز پیشنهاد دادند. در نهایت نیز رابطه مثبت بین عملکرد پایداری با عملکرد مالی را اثبات نمودند.

نخیلی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به مطالعه افشای مسئولیت اجتماعی و ارزش بازار با تأکید بر شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های خانوادگی کمتر از شرکت‌های غیر خانوادگی اقدام به افشای مسئولیت اجتماعی می‌کنند. همچنین ارزش شرکت‌ها بر مبنای معیارهای مالی مانند کیو توپین ارتباط مثبتی با افشای مؤلفه‌های مسئولیت اجتماعی دارد.

مهرانی و نوروزی (۱۳۹۴) به بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین ارزش شرکت و مدیریت سود پرداختند. در این پژوهش به این نتیجه رسید که حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین ارزش شرکت و مدیریت سود تأثیر مثبت دارد و شرکت‌ها دارای رتبه حاکمیت شرکتی بالاتر بالاتر با اثر منفی کمتری مواجه هستند.

ذبیحی و حنیفه (۱۳۹۴) نشان داد تمرکز مالکیت و مالکیت دولتی، تأثیر منفی و معنی‌دار و مالکیت نهادی و سهامداران حقیقی، اثر مثبت و معنی‌داری در به‌هنگام‌بودن گزارش سود شرکت‌ها دارد. بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده، هدف این پژوهش، بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی در به‌هنگام‌بودن اطلاعات سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

شورورزی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی ارتباط حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌ها با استفاده از مدل گرسون فازی پرداختند. نتایج پژوهش‌آنان نشان داد که بین اعضای غیر موظف هیات مدیره و مالکان نهادی با عملکرد شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد، در حالی که بین نقش دوگانه مدیرعامل و عملکرد شرکت رابطه معناداری دیده نشده است.

داژلین (۲۰۱۳)^۱ در پژوهشی درباره رابطه بین اخلاقیات، مسئولیت پذیری اجتماعی و عملکرد سازمانی به این نتیجه رسیدند که، مدیران سازمان‌های نظام یافته در مقایسه با سازمان‌های ماشین بنیاد، سطح مسئولیت پذیری اجتماعی و اخلاقیات بالایی دارند.

می‌یو (۲۰۱۳)^۲ پژوهشی با هدف بررسی رابطه مالکیت دولتی بر عملکرد شرکت‌ها بر روی ۱۰۶۳۹ شرکت چینی با استفاده از روش داده‌های پانلی طی سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ انجام داد. نتایج پژوهش وی نشان داد که مالکیت دولتی با عملکرد شرکت رابطه U شکلی دارد. به علاوه نتایج پژوهش‌های وی نشان داد که اصلاح ساختار سهام طی سالهای ۲۰۰۶-۲۰۰۵ نقش مثبتی در بهبود رابطه بین مالکیت دولتی و نسبت سوددهی شرکت ایفا میکند؛ گرچه مالکیت دولتی در این دوره کاهش یافته است.

بجتی و همکاران (۲۰۱۳)^۱ مسئولیت اجتماعی شرکت را در چهار عامل شامل شفافیت حسابداری، حاکمیت شرکتی، مخاطره ذی‌نفعان و بیش سرمایه‌گذاری تجزیه کرده‌اند. با بررسی ارتباط بین قدر مطلق خطای پیش‌بینی سود هر سهم با خالص نقاط قوت (-) و ضعف (+) بیش سرمایه‌گذاری، مخاطره ذی‌نفعان، حاکمیت شرکتی و شفافیت حسابداری نشان دادند که قدر مطلق خطای پیش‌بینی سود هر سهم با خالص نقاط قوت و ضعف بیش سرمایه‌گذاری، مخاطره ذی‌نفعان و عدم شفافیت حسابداری شرکت ارتباطی مثبت و معنی‌دار وجود دارد در حالی که با کیفیت حاکمیت شرکتی ارتباطی معکوس دارد.

چنگ و همکاران (۲۰۱۲)^۲ در مطالعه خود با هدف ارزیابی عملکرد مالی در صنایع نیمه رسانا، از ترکیبی از روش انتگرال فازی و میانگین وزنی ترتیبی استفاده نمودند. در این مطالعه پس از انجام تحلیل عاملی و شناسایی معیارهای مالی مناسب، با بهره‌گیری از میانگین وزنی ترتیبی وزن معیارها تعیین شد و با استفاده از انتگرال فازی و لحاظ کردن روابط درونی میان معیارها، ارزیابی انجام گردید.

بایراکداراگلو و یالکین (۲۰۱۲)^۳ در مطالعه‌های بهارزیابی عملکرد مالی استراتژیک هفده شرکت فعال در بورس و اوراق بهادار استانبول پرداختند. ایشان در این تحقیق برای تعیین وزن معیارهای مالی استراتژیک از روش FAHP بهره گرفتند و در نهایت با استفاده از تکنیک VIKOR شرکت‌های مورد مطالعه را رتبه‌بندی نمودند.

میشرا و همکاران (۲۰۱۱)^۴ به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که در افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی در گزارش‌های خود سرمایه‌گذاری کرده‌اند هزینه سرمایه‌ای بالطبع پایین‌تر از شرکت‌هایی داشته‌اند که این افشاگری را انجام نمی‌دادند.

نرواتی و وان نردین (۲۰۱۰)^۱ نیز با بررسی ۲۳۵ شرکت در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶ در بورس مالزی اثر ویژگی‌های هیئت مدیره و کمیته حسابرسی را بر کیفیت گزارشگری مالی بررسی کردند. آن‌ها کیفیت گزارشگری مالی را از طریق صحت سود پیش‌بینی شده مدیریت عملیاتی کردند. نتیجه این پژوهش نشان دهنده وجود یک رابطه مثبت بین این دو معیار و بهبود کیفیت گزارشگری مالی بود.

۹- ارزیابی مدل ساختاری

پس از برازش مدل ساختاری، برازش مدل کلی از طریق شاخص GOF^2 ارزیابی می‌شود. این معیار مربوط به بخش کلی معادلات ساختاری است، بدین معنی که توسط این معیار، محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل پژوهش، برازش بخش کلی را نیز کنترل کند. این معیار طبق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$GOF = \sqrt{\text{Communality} \times R^2}$$

جدول ۱- شاخص‌های برازش مدل ساختاری و مدل کلی پژوهش

COMMUNALITY	R^2	ابعاد تحقیق
۰,۵۰۷	---	حاکمیت شرکت
۰,۵۵۴	---	عملکرد مالی
۰,۵۰۱	۰,۴۶۴	مسئولیت پذیری اجتماعی
۰,۵۴۴	۰,۴۴۶	میانگین معیارها
$GOF = \sqrt{\text{Communality} \times R^2} = \sqrt{0.242} = 0,49$		

به طور کلی Communality نشان دهنده میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه می‌باشد. سه مقدار ۰,۰۱، ۰,۲۵ و ۰,۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای معیار GOF معرفی شده است (صدر، انصاری، ۱۳۹۴، ص ۱۰۶). همانطور که جدول فوق نشان می‌دهد مقدار GOF برای مدل پژوهش، برابر با ۰,۴۹ می‌باشد که نشان‌دهنده برازش بسیار قوی مدل پژوهش است.

۱۰- نتایج و یافته‌های تحقیق

جدول ۲- یافته‌های آزمون فرضیات تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد

نتیجه	B	T	فرضیات
تایید فرضیه	۰,۶۵۴	۱۳,۱۲۳	بین حاکمیت شرکت و عملکرد مالی رابطه وجود دارد.
تایید فرضیه	۰,۱۹۴	۲,۷۰۹	بین حاکمیت شرکت و مسئولیت پذیری اجتماعی رابطه وجود دارد
تایید فرضیه	۰,۵۱۶	۱۰,۴۳۹	بین عملکرد مالی و مسئولیت پذیری اجتماعی رابطه وجود دارد

با توجه به ضرایب معناداری و t استخراج شده، نتیجه آزمون فرضیات در جدول فوق آورده شده است. در سطح اطمینان ۹۵٪ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تمامی فرضیات تحقیق تایید می‌باشند که در زیر به تشریح بیان شده است:

یافته فرضیه اول: این فرضیه بیان می‌کند که بین حاکمیت شرکت و عملکرد مالی رابطه وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد با توجه به اینکه مقدار t از حداقل مقدار معناداری یعنی ۱,۹۶ بیشتر است این رابطه معنادار می‌باشد. مثبت بودن ضریب مسیر نشان دهنده مستقیم بودن رابطه می‌باشد.

یافته فرضیه دوم: این فرضیه بیان می‌کند که بین حاکمیت شرکت و مسئولیت پذیری اجتماعی رابطه وجود دارد. با توجه به اینکه مقدار t از حداقل مقدار معناداری یعنی ۱,۹۶ بیشتر است این رابطه معنادار می‌باشد. مثبت بودن ضریب مسیر نشان دهنده مستقیم بودن رابطه می‌باشد.

یافته فرضیه سوم: این فرضیه بیان می‌کند که بین عملکرد مالی و مسئولیت پذیری اجتماعی رابطه وجود دارد. با توجه به اینکه مقدار t از حداقل مقدار معناداری یعنی ۱,۹۶ بیشتر است این رابطه معنادار می‌باشد. مثبت بودن ضریب مسیر نشان دهنده مستقیم بودن رابطه می‌باشد.

۱۱- نتیجه‌گیری

حاکمیت شرکتی خوب، موجب جلب اعتماد مردم به شرکت می‌شود و نشان می‌دهد مبنای شرکت بر شفاف سازی است. شرکت‌هایی که سازوکار مناسبی برای حاکمیت شرکتی خود تعبیه می‌کنند، اعمال خلاف قانون را در هیچ سطحی از شرکت نمی‌پذیرند. این سیستم‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که در هر سطحی مدیران را به پاسخگویی در مقابل ذی‌نفعان ملزم می‌سازد. حاکمیت شرکتی مکانیزمی برای هدایت و نظارت بر فعالیت شرکت در جهت اهداف آن از جمله خلق ارزش برای سهامداران محسوب می‌شود. عملکرد مالی یکی از حساسترین مورد در بخش حسابداری هر سازمان و شرکت می‌باشد. زمانی حاکمیت شرکت موفق باشد و عملکرد مالی را کنترل و نظارت کند موجب یک پدیده در سازمان و شرکت می‌شود آن هم مسئولیت پذیری اجتماعی در تمام امور. بنابراین آنچه از پژوهش حاضر دریافت شد رابطه مثبت بین حاکمیت شرکت با عملکرد مالی با رویکردی بنام مسئولیت پذیری اجتماعی که این نتیجه می‌تواند الهام بخش همه ی سازمانهای دولتی و غیر دولتی باشد. مدیران و حسابرسان شرکتها باید این متغییرات را در برنامه کاری خود مورد توجه قرار دهند.

مراجع

- بهار مقدم، مهدی. صادقی، زین العابدین. صفرزاد، ساره. (۱۳۹۲). فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال پنجم، شماره ۲، زمستان، صفحات ۲۱-۲۲.
- جعفری جم، حسین، علی عسگری، فائزه، زارعی، حمید. (۱۳۹۸). عملکرد مالی و ارزش شرکت‌ها: نقش افشا اطلاعات پایداری. دانش حسابداری مالی. ۲۴۲-۲۱۵
- حاجیها، زهره. شاکری، عبدالرضا. (۱۳۹۸). حاکمیت شرکتی، افشای مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت، فصلنامه پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی. دانشکده اقتصاد و حسابداری تهران مرکزی. دوره ۱۱ شماره ۴۴، ص ۱۹۲-۱۷۵
- ذبیحی، علی. حنیفه، محمد. (۱۳۹۴). تاثیر مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر به موقع بودن گزارش سود، کنفرانس بین المللی مدیریت اقتصاد و علوم کشاورزی، ۱۷-۱.
- قالیباف اصل، حسن، رضایی، فاطمه. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر ترکیب هیأت مدیره بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، تحقیقات مالی، دوره ۹، ش ۲۳، ص ۳۳-۴۸.
- کدیور، علی. (۱۳۸۵). اصول حاکمیت شرکتی، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۰۳۹.
- مهرانی، ساسان؛ نوروزی، سونا. (۱۳۹۴). بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین ارزش شرکت و مدیریت سود، علمی-شماره ۱۸، ص، ۱۰۵ تا ۱۲۲.
- نمازی، محمد، حلاج، محمد و ابراهیمی، شهلا. (۱۳۸۸). تاثیر مالکیت نهادی بر عملکرد مالی گذشته و آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۸، ص ۱۳۰-۱۳۸

- Amado, C., A., F., Santos, S., P., Marques, P., M., (۲۰۱۲). Integrating the Data Envelopment Analysis and the Balanced Scorecard approach for enhanced performance assessment. *Omega*, ۴۰, ۳۹۰-۴۰۳.
- Becchetti, Leonardo. Ciciretti, Rocco. and Giovanelli, Alessandro. (۲۰۱۳). "Corporate Social Responsibility and Earning Forecasting Unbiasedness", *Banking & Finance*, (۹), PP. ۳۶۵۴-۳۶۶۸.
- Black, B., et al. (۲۰۰۶). corporate governance indices and firm's market value: timeseries evidence from Russia", *emerging markets review* ۷, PP.۳۶۱-۳۷۹.
- Bayrakdaroglu, A.&Yalcin, N., (۲۰۱۲). Strategic Financial Performance Evaluation of the Turkish Companies Traded on ISE. *EGE ACADEMIC REVIEW*, ۱۲ (۴), ۵۲۹-۵۳۹.
- Cheng, C., H., Chen, C., T., Huang, S., F., (۲۰۱۲). Combining fuzzy integral with order weight average (OWA) method for evaluating financial performance in the semiconductor industry. *African Journal of Business Management*, ۶ (۲۱), ۶۳۵۸-۶۳۶۸.
- Cravens, K., S., Oliver, E., G., Stewart, J., S., (۲۰۱۰). Can a positive approach to performance evaluation accomplish your goals? *Kelley School of Business*, ۵۳, ۲۶۹-۲۷۹.
- Dagilienne, Lina. (۲۰۱۳). The influence of corporate social reporting to companys value in a developing economy. *Procedia Economics and Finance*. Vol ۵, pp ۲۱۲-۲۲۱.
- Dutzi, A. & Rausch, B. (۲۰۱۶). Earnings Management before Bankruptcy: A Review of the Literature. *Journal of Accounting and Auditing: Research & Practice*, ۲۰۱۶, ۱-۲۱.
- Jacoby, G., Li, J. & Liu, M. (۲۰۱۶). Financial Distress, Political Affiliation, and Earnings Management: The Case of Politically-Affiliated Private Firms. *European Journal of Finance*, ۱-۲۰.
- Harford, J., Klasa, S., & Maxwell, W. F. (۲۰۱۴). Refinancing risk and cash holdings. *The Journal of Finance*, ۶۹(۳), ۹۷۵-۱۰۱۲.
- Mei, Yu (۲۰۱۳), "State Ownership and Firm Performance: Empirical Evidence from Chinese Listed Companies", *China Journal of Accounting Research*, No ۶, pp ۷۵-۸۷.
- Mishra, Dev R., Sadok El Ghouli, , Omran Guedhami, , Chuk C. Y. Kwok. (۲۰۱۱). Does Corporate Social Responsibility Affect the Cost of Capital?. *Journal of Banking & Finance*, Vol. ۳۵, Issue ۹, pp. ۲۳۸۸-۲۴۰۶
- Molina, M. (۲۰۱۰). "The Corporate Role in a Changing Society: A Model of Sense Making and Firm Characterization", Ph.d thesis, Business School, Universitat Ramon Lull.
- Nekhili, M., Naghati, H., Chtioui, T., Rebolledo, C. (۲۰۱۷). "Corporate Social Responsibility Disclosure and Market Value: Family Versus Nonfamily Firms", *Journal of Business Research*, ۷۷, PP. ۴۱-۵۲
- Nurwati A., et al. (۲۰۱۰). "Corporate governance and earnings forecasts accuracy", *Asian Review of Accounting*, Vol. ۱۸, No.۱, PP.۵۰-۶۷.
- Saleh, M. Zulkifli, N. & Muhamad, R. (۲۰۱۰). Corporate social responsibility disclosure and its relation on institutional ownership. *Managerial Auditing Journal*, ۲۵ (۶): ۵۹۱-۶۱۳.
- Sundaramurthy, C., Rhoades, D., &Rechner, P. (۲۰۰۵). A meta-analysis of the effects of executive and institutional ownership on firm performance. *Journal of Managerial Issues*, ۱۵, ۴۹۴-۵۱۰.
- Tsoutsoura, Margarita. (۲۰۰۴). "Corporate Social Responsibility and Financial Performance". Working Paper. Haas School of Business. University of California.